



مجتمع آموزش عالی فقه
مدرسه عالی فقه تخصصی
پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و حقوق قضایی

عنوان:

سقط جنین ناقص الخلقه از نگاه فقه اهل بیت (ع) و فقه حنفی

استاد راهنما:

آیت الله دکتر جواد حبیبی تبار (زیده عزه)

دانش پژوه:

بسم الله امیری

کد تحصیلی:

۱۱۵۴۶۷۷



۱. هرگونه استفاده از این پایان‌نامه، با ذکر منبع بلاشکال و نشر آن در داخل کشور، منوط به اخذ مجوز از جامعه المصطفی (ص) العالمية است.
۲. مسئولیت مطالب مندرج در این پایان‌نامه به عهده نویسنده است.

تشکر و سپاس از

نهاد علمی و مقدس «جامعة المصطفی العالمیه» که بستر ساز تبلیغ، تدریس و تحقیق علاقه‌مندان به دین و معارف دینی است هم‌چنین مجتمع عالی آموزش فقه؛ مدرسه عالی فقه تخصصی. به ویژه از راهنمایی‌ها و ارشادات عامانه و راهگشای استاد محترم راهنما ریاست محترم گروه فقه و حقوق قضایی مدرسه عالی فقه جناب آیت الله محمد جواد حبیبی تبار (زیده عزه) و اساتید محترم گروه فقه و حقوق قضایی. تقدیر و تشکر می‌کنم. اللهم اجعلنا من علماء الدین و العاملين به و اجعل عواقب امورنا خیرا، اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد و اجعل مماتنا ممات محمد و آل محمد انک علی کل شیء قدير.

چکیده

از بین بردن عمدی یا غیرعمدی نطفه انسانی در زمان بارداری مادر و قبل از طی شدن فرآیند طبیعی تولد یا سقط جنین، یکی از مسائل مهم و پردامنه انسانی است. مساله‌ای که سابقه و گذشته‌ای به درازای عمر بشر دارد. امروزه از یک سو، بدلیل پیشرفتهای علم پزشکی و به مدد ابزارها و آزمایشات علمی دقیق که در غالب موارد، تشخیص علتها و معلولیت‌های خلقتی جنین را ممکن ساخته است و از سوی دیگر تضعیف باورهای دینی و افزایش میل به رفاه و مشقت‌گریزی در میان جوامع انسانی، آمار سقط جنین نیز بشدت افزایش یافته است. آثار و تاثیرات مهم سقط جنین در حفظ حیات انسانی و رابطه مستقیم آن با اعتقادات مذهبی و هنجارهای اجتماعی، موجب اهمیت چند گانه آن در حقوق پزشکی و کیفری گردیده است. بررسی حکم تکلیفی و احکام وضعی ناشی از سقط جنین و مطالعه محدوده و قلمرو جنین قابل سقط و فروض و شروطی که می‌تواند مسوغ سقط جنین باشد، با بررسی مراحل شکل‌گیری جنین و نقد و نظر ادله شرعی و حقوقی ناظر بر آن، از جمله مسائل و زوایایی است که از سوی فقیهان اسلامی و حقوقدانان مسلمان مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. دسترسی به حکم این مساله از منظر منطقی فقه امامیه و فقه احناف بعنوان دو شعبه مهم فقه اسلامی، مطمح نظر و مقصود این نوشتار می‌باشد.

پژوهش پیش رو مبین آن است که از منظر فقه فریقین، سقط جنین در همه مراحل آن به حکم اولی حرام است و ممنوع. تا زمان قبل از ولوج روح در جنین، عروض و پیدایش عنوان ثانوی، تنها وجه ممکن، جهت توجیه و تجویز سقط جنین، می‌تواند باشد. لذا در صورت بمخاطره افتادن سلامت مادر یا تحمیل عسر و حرج شدید بوالدین از جهت نقص خلقتی جنین، فقهای اسلامی به استناد قواعدی چون نفی حرج و دفع ضرر و قاعده حاجت حکم بر جواز سقط جنین ناقص الخلقه‌ای که هنوز روح در آن دمیده نشده است، داده‌اند.

واژگان کلیدی: جنین، ناقص الخلقه، نفخ روح، سقط، حکم اولی، حکم ثانوی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
۱- تعریف مسأله.....	۱
۲- سؤالات اصلی تحقیق.....	۲
۳- سؤالهای فرعی تحقیق.....	۲
۴- فرضیه تحقیق.....	۲
۵- هدف تحقیق.....	۲
۶- نظریه پردازی یا نوآوری تحقیق.....	۲
۷- روش تحقیق.....	۳
۸- قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی).....	۳

فصل اول: مفاهیم و کلیات

مقدمه.....	۶
مبحث اول: مفاهیم.....	۷
گفتار نخست: مفاهیم اصلی.....	۷
۱- سقط.....	۷
۲- جنین.....	۹
۳- ناقص الخلقه.....	۱۳
۴- سقط جنین.....	۲۰
۵- ولوج روح.....	۲۵
گفتار دوم: مفاهیم مرتبط.....	۳۰
۱- عسر و حرج.....	۳۰
۲- ضرر.....	۳۶

مبحث دوم: کلیات.....	۴۰
گفتار نخست: موضوع شناسی و علائم ولوج روح.....	۴۰
۱- موضوع شناسی ناقص الخلقه.....	۴۰
۲- علائم ولوج روح.....	۴۲
گفتار دوم: بررسی قواعد فقهی مرتبط.....	۵۲
۱- عسر و حرج.....	۵۲
۲- قاعده لا ضرر.....	۶۳
۳- قاعده حاجت.....	۷۳

فصل دوّم: حکم اولی سقط جنین ناقص الخلقه

مبحث اول: حکم اولی سقط جنین ناقص الخلقه قبل از ولوج روح.....	۸۱
گفتار نخست: حکم اولی سقط جنین نزد فقهای امامیه.....	۸۱
گفتار دوم: حکم اولی سقط قبل از ولوج روح نزد فقهای حنفیه.....	۹۸
مبحث دوم: حکم اولی سقط جنین ناقص الخلقه پس از ولوج روح.....	۱۰۲
گفتار نخست: حکم اولی سقط جنین بعد از ولوج روح نزد فقهای امامیه.....	۱۰۲
۱-۱- آیات قرآن کریم.....	۱۰۲
۲-۱- روایات.....	۱۰۴
۳-۱- عقل.....	۱۰۸
۴-۱- اجماع.....	۱۰۹
گفتار دوم: حکم اولی سقط جنین بعد از ولوج روح، نزد فقهای حنفیه.....	۱۱۰
۱-۲- نفس محترم.....	۱۱۱
۲-۲- حفظ نسل.....	۱۱۱

فصل سوّم: حکم ثانوی سقط جنین ناقص الخلقه

مقدمه.....	۱۱۳
مبحث اول: سقط جنین ناقص الخلقه بر اساس قاعده عسر و حرج.....	۱۱۴

۱- سقط جنین ناقص الخلقه قبل از ولوج روح.....	۱۱۶
۲- سقط جنین ناقص الخلقه بعد از ولوج روح.....	۱۲۰
۳- جواز مشروط سقط جنین در هر مرحله از حیات وی.....	۱۲۲
مبحث دوم: حکم ثانوی سقط جنین ناقص الخلقه بر فرض ضرر برای مادر.....	۱۲۵
۱- قاعده اضطرار.....	۱۲۵
۲- شرایط تحقق حالت اضطرار و اقدام مضطر.....	۱۲۶
۳- سقط جنین بر فرض ضرر برای مادر.....	۱۲۷
۴- دلایل جواز سقط جنین.....	۱۳۰
۵- دفاع مشروع.....	۱۳۴
مبحث سوم: حکم ثانوی سقط جنین ناقص الخلقه (قاعده حاجت).....	۱۳۵
۱- تاثیر قاعده حاجت در سقط جنین.....	۱۳۶
مبحث چهارم: سقط جنین ناقص الخلقه بر فرض ضرر برای والدین و جامعه.....	۱۳۷
۱. منافع والدین.....	۱۳۷
۲- هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی.....	۱۴۰
۳- سقط جنین بر فرض ضرر و حرج برای خود طفل.....	۱۴۱
مبحث پنجم: جنین ناقص الخلقه بر اساس نظریه تقدیر.....	۱۴۱
مبحث ششم: حکم ثانوی سقط جنین ناقص الخلقه نزد فقهای حنفیه.....	۱۴۳
۱- سقط جنین ناقص الخلقه پیش از دمیدن روح.....	۱۴۳
۲- سقط جنین ناقص الخلقه پس از دمیدن روح.....	۱۴۸
نتیجه‌گیری.....	۱۵۳
فهرست منابع.....	۱۵۵

مقدمه

۱- تعریف مسأله

حمایت از حیات انسان از دیرباز در جوامع بشری، مطرح بوده و در همین راستا قانونگذار جمهوری اسلامی ایران با الهام از رهنمودهای فقه اسلامی جنین انسان را موجودی دارای شخصیت و قابل تکریم و حمایت میدانده که مانند سایر انسانها دارای حقوقی از جمله حق حیات و سلامت می‌باشد.

بنا بر نظر مشهور فقیهان، سقط جنین بعد از دمیده شدن روح حرام و نامشروع است ولی ما می‌خواهیم بررسی کنیم که آیا ناقص الخلقه بودن جنین از نگاه فقه اهلیت (ع) و فقه حنفی مجوزی برای سقط می‌تواند باشد یا خیر؟

با توجه به مشکلاتی که ناقص الخلقه برای والدین خود و نیز برای جامعه ایجاد میکند، و با توجه به مخارج زیادی که بر دوش دولت میگذارد، آیا میتوان سقط اینگونه موارد را با عناوین ثانویه مجاز بدانیم یا خیر؟

و دلایل آن چه میتواند باشد؟ آیا میتوان با قاعده حرج، اضطرار، ضرر و تزاحم، یا اصل تخییر تمسک کرد یا خیر؟

و نیز باید بررسی شود که چه مواردی را میتوانیم مصداق ناقص الخلقه بدانیم؟ به مجرد کمبود عضوی؛ مانند نداشتن یک انگشت میتوان آنرا ناقص الخلقه شمرد و جنین را سقط کرد؟ و یا مثلاً داشتن یک عضو انگشت اضافه مانند داشتن شش انگشت در یک دست، باز هم میتوانیم ملحق به ناقص الخلقه بدانیم یا خیر.

۲- سؤالات اصلی تحقیق

سقط جنین ناقص الخلقه از دیدگاه فقه اهلبیت (ع) و فقه حنفی چه حکمی دارد؟

۳- سؤالات فرعی تحقیق

۱- مفاهیم ناقص الخلقه، جنین و سقط چیست؟

۲- حکم اولی حرمت سقط جنین نسبت به جنین ناقص الخلقه جریان دارد یا خیر؟ چرا؟

۳- حکم سقط جنین ناقص الخلقه قبل از ولوج روح به فرض تحقق عنوان ثانویه چیست؟

۴- حکم سقط جنین ناقص الخلقه بعد از ولوج روح به فرض تحقق عنوان ثانویه چیست؟

۵- حکم سقط جنین ناقص الخلقه بر فرض ضرر و یا حرج مادی والدین چیست؟

۶- حکم سقط جنین ناقص الخلقه بر فرض ضرر و یا حرج مادی برای خود طفل پس از تولد

چیست؟

۷- حکم سقط جنین ناقص الخلقه بر فرض وجود ضرر معنوی برای هریک از والدین خود طفل

پس از تولد چیست؟

۴- فرضیه تحقیق

سقط جنین ولو ناقص الخلقه به حکم اولیه حرام است، ولی به جهت طرح عناوین ثانوی، در

فروضی قبل از ولوج روح ممکن است سقط جنین تجویز گردد.

۵- هدف تحقیق

هدف از این تحقیق، بررسی و تبیین جامع از آرای فقیهان امامیه و حنفیه در مورد سقط جنین

ناقص الخلقه و نیز پرکردن خلأهای قانونی ناشی از اختلافات محاکم در این زمینه است.

۶- نظریه پردازی یا نوآوری تحقیق

از آنجایی که در این زمینه تحقیق مستقلی صورت نگرفته و آنچه که در گذشته انجام گرفته است،

بیشتر در جهت مطلق سقط جنین پرداخته شده است، بنای تحقیق این است که ضمن تطبیق و مقایسه بین

فقه امامیه و فقه حنفیه به صورت جداگانه موضوع سقط جنین ناقص الخلقه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۷- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است و از نظر تبیین داده‌ها توصیفی-تحلیلی است. جمع‌آوری داده‌ها، ابزارهای متعدد و گوناگونی دارند که روش کتابخانه‌ای یکی از این ابزارهاست. مطالعه کتابخانه‌ای و یا استفاده از منابع و مآخذ در جمع‌آوری اطلاعات و دانستنی‌های مورد نیاز در یک زمینه و یک مسئله خاص می‌باشد.^۱ بنابراین در این تحقیق در جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است ولی در تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. به این معنی که پس از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز به توصیف داده‌ها پرداخته شده و داده‌های توصیف شده مورد تحلیل قرار گرفته است.

۸- قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی)

قلمرو زمانی تحقیق شامل بررسی اقوال فقیهان اسلامی از عصر نزول تشریح تا زمان حاضر است. قلمرو مکانی شامل کشورهای اسلامی اعم از شیعه و سنی بوده و قلمرو موضوعی شامل ابواب قصاص و دیات در فقه می‌باشد.

۱- کامران، فریدون و نیک خلق، علی اکبرف روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۷۸.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

مقدمه

مسئله سقط جنین از دوره‌های بسیار دور و همزمان با حیات بشری و زندگی اجتماعی بروز نموده و رواج داشته است. در واقع از جمله جرائمی است که از دیرباز وجود داشته و به انگیزه‌های گوناگون صورت می‌پذیرفته است. تاریخ سقط جنین و پیشینه آن به آغاز زندگی اجتماعی بشر بر میگردد. در چندین آیه‌ی از قرآن کریم از آن نهی شده است، که خود نشان می‌دهد در صدر اسلام نیز این مسئله رواج داشته است و پیامبر بعد از فتح مکه در بیعت با زنان مکه از آنها خواستند که فرزندان شان را نکشند. در عصر حاضر مسئله سقط جنین تحت عناوینی؛ همچون کنترل جمعیت، تنظیم خانواده، کورتاژ و... مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در کشورهای غربی علاوه بر اینکه رایج است بلکه بصورت قانون رسمی نیز در آمده است. اما در کشورهای اسلامی این مسئله بصورت عام حرام است و مورد اتفاق علمای اهل سنت و شیعه می‌باشد و اختلافات کمی که وجود دارد بیشتر در فروعات و جزئیات این موضوع است. باید گفت کشورهای جهان هر یک قوانین متنوع در این باره وضع نموده‌اند و هر سه نوع؛ تجویز، منع و تجویز با تفصیل وجود دارد. دین مبین اسلام نیز که برای حیات بشری و حتی نطفه‌ای که در رحم مادر است ارزش قائل است و بطور کلی سقط را حرام نموده و در هر مرحله‌ای که باشد برای آن دیه مقرر نموده است. اما در شرایط خاص و با پیدایش مسائل جدید اعم از مسائل پزشکی، عبادی، معاملی و... که فقیه با توجه به منابع اسلامی راه‌حل‌های مناسب برای آنها پیدا می‌نماید. یکی از مسائل نوظهور مسئله جنین ناقص الخلقه می‌باشد که امروزه به مدد دستگاه‌های پیشرفته قابل تشخیص در مراحل مختلف رشد در رحم مادر می‌باشد. این بیماری‌ها که امیدی به بهبودی آن نمی‌رود و بعد از تولد موجب عسر و حرج خانواده می‌شود و حتی برای جامعه و دولت نیز هزینه‌های زیادی در پی دارد، ممکن است سقط جنین ناقص جایز باشد؛

زیرا ادله حرمت از این موارد انصراف دارد. یا اگر جنین مثلاً صورت انسانی نداشته باشد سقط آن جایز خواهد بود، زیرا دلیل بر عدم اتلاف جنین غیر انسان وجود ندارد. در این فصل بعد از بررسی بعضی مسائل دیگر به بررسی فقهی جنین ناقص الخلقه قبل از دمیدن روح به آن می‌پردازیم و نظرات فقهای شیعه و حنفی را بررسی خواهیم نمود.

مبحث اول: مفاهیم

گفتار نخست: مفاهیم اصلی

۱- سقط

۱-۱- سقط در لغت

سقط از ماده «السقط» است و اعراب فاء الفعل آن با حرکات سه گانه؛ فتحه، کسره و ضمه، خوانده می‌شود.^۱ برخی سقط با فتح سین را به معنی خطا و اشتباه در کتابت و شمارش دانسته‌اند.^۲ اما به اعتقاد برخی دیگر، السقط به فتح سین، به معنای خطا در گفتار و عمل است.^۳ در هر صورت معادل فارسی آن افتادن است به همین دلیل کسی را که از چشم مردم می‌افتد می‌گویند: سقط من اعین الناس،^۴ و هرگاه که با الف متعدی می‌شود، اسقاط، یعنی انداختن معنا می‌دهد.^۵ هنگامی که مادری فرزند در رحم خودش را می‌اندازد می‌گویند: جنین خود را سقط کرد، یعنی انداخت.

البته برخی معتقدند که سقط، افتادن از بالا به پایین است. خواه به این صورت باشد که انسانی از بالا به پایین بیفتد یا اینکه بواسطه پیری و سال خوردگی، قامت بلندش خمیده و افتاده شود.^۶ از این رو

۱- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۵، ص ۲۸۲. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ص ۳۱۶. به اعتقاد ابن منظور قرائت به کسر سین بیشتر است.

۲- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۳، ص ۱۱۳۳

۳- ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۸۶

۴- صحاح جوهری، ج ۳، ص ۱۱۳۲

۵- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۲۸۰

۶- واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰ ص ۱۱۵. حسین بن محمد (راغب

محل تولد را مسقط الرأس می‌گویند.^۱ زیرا کودک در هنگام تولد با سر می‌افتد و از رحم بیرون می‌آید.

۱-۲- سقط در اصطلاح

مفهوم اصطلاحی سقط بیگانه و بی ارتباط با معنای لغوی آن نیست. فقیهان، عمل مادری که فرزند خویش را قبل از اتمام خلقت آن بیاندازد را "سقط جنین" می‌گویند.^۲ در جایی دیگر نیز می‌خوانیم: السَّقْطُ: كل ما يسقط. الجنین يسقط من بطن أمه قبل تمامه، ذكرا كان أو أنثى. سقط یعنی هر آنچه که می‌افتد؛ جنین قبل از تمام شدن خلقت آن، از رحم مادرش می‌افتد، خواه پسر باشد یا دختر.^۳ به باور یکی از نویسندگان و از متخصصین پزشکی قانونی، سقط جنین عبارت است از: ختم بارداری قبل از موعدی که جنین توانایی ادامه حیات را در خارج از رحم داشته باشد. اگر جنین بعد از این موعد تا زمانی که کامل شده باشد، متولد شود، به آن زایمان زودرس می‌گویند. حاصل زایمان زودرس نوزاد نارس است. معمولاً نوزاد نارس با سن بالای ۲۸ هفته بدون استفاده از تجهیزات و مراقبت‌های ویژه پزشکی قابلیت حیات مستقل خارج از رحم را دارا می‌باشد.^۴

در فقه بر سقط جنین احکام مختلفی بار شده است. از آن جمله اینکه سقط جنین به هر صورت که باشد؛ خواه با مصرف دارو یا هر وسیله، دیگری حرام است.^۵ در این حکم، فرقی بین این که جنین از طریق مشروع تکوین یافته باشد یا از طریق نامشروع نیست.^۶ مگر اینکه این حکم موجب ضرر و عسر و حرج قطعی برای مادر شود و یا در زمان حمل، خطر جانی برای مادر و یا خود جنین یا هر دو

اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۱۴

۱- معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۸۶ حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، ج ۵، ص ۳۱۹

۲- صدر، سید محمد، ماوراء الفقه، ج ۸، ص ۵۰۵. ایشان در این مورد می‌نویسند: السقط، وهو الجنین المولود قبل کمال خلقته و غالباً یولد میتا. سقط، جنینی است که پیش از تمام شدن خلقت او تولد یافته است و تولد وی غالباً به صورت مرده است.

۳- سعدی، ابو جیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، ص ۱۳۱

۴- صنایعی زاده، حسین، پزشکی قانونی، ص ۲۶۷

۵- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، ج ۲۵، ص ۲۵۳

۶- سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۱۵-۱۱۶

داشته باشد که در این صور بنا بر بعضی از مبانی، قبل از ولوج روح، برخی از فقیهان قائل به جواز سقط شده‌اند که تفصیل این مسائل را در فصول آینده به طور مبسوط به بحث خواهیم گذاشت.

۲- جنین

۲-۱- در لغت

جنین از ماده جَنَن، فرزند در شکم مادر را گویند^۱ و جمع آن اجنه^۲ است. قریب به اتفاق اهل لغت، اصل این ماده را به معنای تستر و ستر یعنی پوشاندن و محفوظ بودن دانسته‌اند. ممکن است که فرزند به دلیل مستتر بودن در شکم و رحم مادر، به این نام « جنین » مسمی شده باشد. زیرا بر اساس دیدگاه برخی از لغویون، جنین یعنی مقبور^۳ و همان گونه که فردی که از دینا رفته او را به جهت حفظ شان، کرامت و دورنمودن از گزند وحوش و حیوانات درنده، در قبر می‌گذارند، خداوند نیز جایگاه جنین را تا هنگام تولد و برای در امان ماندن از حوادث، در شکم مادر قرار داده است. جُنَّه؛ به ضم جیم (سپر) نیز در مقابل سلاح است و سلاح وسیله برای قتل است و جُنَّه برای در امان ماندن و دفاع است.^۴ جنت (باغ و بستان) نیز به دلیل پوشیده شدن درختان توسط برگ‌ها و یا پوشیده شدن زمین بوسیله درختان و گیاه‌ها و سبزه‌ها به این نام خوانده شده است،^۵ مجنون نیز به دلیل پوشیده بودن عقل او نیز از همین ماده است.^۶ اما بر اساس دیدگاه برخی دیگر اصل ماده (جنن) پوشاندن است ولی برگشت آن به تغطیه و موارد است نه ستر.^۷ بر همین اساس، در معانی مختلف با حفظ ریشه

۱- الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۵، ص ۲۰۹۴.

۲- مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، ج ۲ ص ۱۱.

۳- معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۲۲.

۴- شمس العلوم و دواء کلام العرب من العلوم، ج ۲، ص ۹۳۳.

۵- معجم مقاییس اللغة، ۴۲۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۰۳-۲۰۴. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والاثار، ج ۱، ص ۳۰۷.

۶- معجم مقاییس اللغة، ص ۴۲۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۶۱.

۷- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲ ص ۱۲۳.

آن استفاده شده است. از این رو سپر جُنّه گفته می‌شود. زیرا سر را در مقابل سلاح می‌پوشاند و از وارد آمدن ضربه جلو گیری می‌کند. جنین نیز بواسطه پوشیده شدن در رحم مادر، به این نام، مسمی شده است.^۱

۲-۲- در اصطلاح

۲-۲-۱- در اصطلاح فقهی

در اصطلاح فقهی، به طور خلاصه، جنین را به فرزند تکون یافته در رحم مادر، معنا کرده‌اند^۲ که بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست و از آن در باب‌های مختلفی همچون طهارت، جهاد، تجارت، رهن، وصیت، نکاح،ظهار، لعان، عتق، تدبیر، اقرار، صید و ذباحت، ارث و دیات سخن گفته‌اند.^۳ همان طور که بیان شد، از نظر لغوی بر تمام مراحل رشد از زمان انعقاد نطفه تا ولادت به اعتبار مستور بودن «جنین» اطلاق می‌شود، اما در لسان قرآن و روایات دارای مراحل است و هر یک اسم خاص و احکام مخصوص دارد.

قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنُه فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ هَلَّا تَزْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى».^۴

آنان که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری کنند مگر آنکه کمی (یعنی گناه صغیره‌ای یا تخیل و وسوسه‌ای به غلبه طبیعت و عادت) از آنها سرزند، که مغفرت پروردگارت بسیار وسیع است، او به حال شما آگاه‌تر است آنگاه که شما را از خاک زمین آفرید و هنگامی که در رحم مادرها جنین بودید، پس خودستایی نکنید، او به حال هر که متقی (و در خور ستایش) است، از شما داناتر است.

۱- همان، ص ۱۳۲.

۲- جمعی از پژوهشگران، زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۱۲۷.

۳- همان.

۴- سوره نجم/۳۲.

آیه ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون مراحل آفرینش انسان را چنین بیان می‌کند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُئَالِهِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۱.

و به یقین انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم. سپس او را [به صورت] نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم. بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم. آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.

چنانکه مشاهده شد، خداوند در این آیات ابتدا به آفرینش انسان از عصاره‌ی آب و خاک و سپس به نطفه‌ای که در قرارگاه مطمئن (رحم مادر) جا می‌گیرد، اشاره نموده و بعد از این دو مرحله به پنج مرحله دیگر می‌پردازد.

- استقرار نطفه: آبی است که جنین متشکل از آن می‌باشد.^۲ تشکیل جنین، شش الی هفت روز بعد از عمل لقاح صورت می‌گیرد.^۳ طبق نظر بیشتر فقها در این مرحله حدود چهل و پنج روز رشد و تکثیر ادامه می‌یابد.

- علقه: در لغت به معنای خون سفت و غلیظ و از ماده «عَلَقَ، يَعْلِقُ» اشتقاق یافته است. در لسان العرب، علق به خون، معنی شده است که عبارت است از خون سفت و دلمه شده^۴ و مرحله‌ای است که نطفه، تبدیل به توده‌ای از سلول‌ها می‌شود.

- مضغه: این کلمه از «مضغ» مشتق شده و به معنای تکه گوشتی شبیه اسفنج است که مقدمه غضروف و استخوان است. در جای دیگری، خون لخته‌ای را که به گوشت تبدیل می‌شود و انسان از آن شکل می‌گیرد، مضغه نامیده‌اند.^۵

۱- سوره مؤمنون/ ۱۲-۱۴.

۲- ابن منظور، ج ۱۴، ص ۱۸۷.

۳- همان، ج ۹، ص ۲۷۹.

۴- همان، ج ۱۳، ص ۱۲۹.

۵- همان، ج ۹، ص ۲۷۹.

- عظام: مرحله‌ای است که سلول‌های گوشتی تبدیل به سلول‌های استخوانی می‌شود. در واقع استخوان‌های شبیه غضروف در او ایجاد شده است، اما هنوز گوشتی، روی آن نرویده است. در کتب لغت، «عظم» به قسمت‌هایی از استخوان بدن حیوان گفته شده است که گوشت بر روی آن قرار دارد.^۱

- لحم: مرحله‌ی پوشش استخوان‌ها با گوشت را گویند که عضلات همه استخوان‌ها را فرا می‌گیرد. این مرحله آخرین مرحله‌ی تکامل فیزیکی جنین، قبل از دمیده شدن روح است. ولوج روح که همان حلول روح در جنین است، در پایان چهار ماهگی اتفاق می‌افتد.^۲

در اینجا و در پایان مرحله‌ی لحم، سخن قرآن تغییر نموده و خبر از تحول و آفرینش مهم جدیدی می‌دهد و بصورت یک تغییر سربسته و اسرارآمیز، می‌فرماید: سپس آفرینش تازه‌ای به آن دادیم.

امام باقر علیه اسلام نیز در تفسیر آن، می‌فرماید: منظور از آفرینش تازه، دمیدن روح در جنین است.^۳ محمدبن مسلم می‌گوید از امام صادق علیه السلام سوال کردم، چگونه نطفه و علقه و مضغه و عظم را تشخیص دهیم؟ امام علیه السلام فرمودند: نطفه همچون آب سفید غلیظ است که تا چهل روز در رحم جا می‌گیرد و سپس علقه می‌شود، علقه همچون خون سیاه جامدی است که تا چهل روز در رحم جا می‌گیرد و سپس مضغه می‌شود، مضغه همچون گوشت قرمزی است که در درون آن رگ‌های سیاه فراوان قرار دارد، سپس تبدیل به استخوان می‌شود و در مرحله استخوانی گوشت و چشم و اعضای دیگر پیدا می‌شود و در این هنگام دیه کامل دارد.^۴

۲-۲-۲- در اصطلاح پزشکی

هر ماه، یکی از دو تخمدان در بدن زن تخمک بالغی را طی فرآیندی آزاد می‌کند که به این فرآیند تخمک‌گذاری می‌گویند. تخمک‌گذاری حدود دو هفته بعد از زمان شروع آخرین دوره‌ی عادت

۱- همان، ج ۶، ص ۲۷۶.

۲- گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، ص ۱۳۷.

۳- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۴۱.

۴- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (وسائل الشیعه)، ج ۱۹، ص ۱۶۹.